فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۹

نقد اساسنامه دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار (ILOAT) در پرتو معیارهای دادرسی عادلانه

زهرا محمودی کردی[۱] ؛ حسین پورباباگل[۲]

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۶
تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۶

چکیده

دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار، مرجع قضایی حل و فصل اختلافات مربوط به کارکنان بیش از ۶۰ سازمان بین‌المللی مختلف است و با توجه به اصل مصونیت سازمان‌های بین‌المللی در برابر محاکم داخلی کشورها، این دادگاه تنها مرجع قضایی در دسترس برای بیش از ۵۷۰۰۰ کارمند سازمان‌های بین‌المللی دیگر نیز محسوب می‌شود که این موضوع، دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار را به مهم‌ترین دادگاه اداری بین‌المللی تبدیل کرده است. از دیگر سو، حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی ایجاب می‌کند این دادگاه حق دادرسی عادلانه را برای کلیه مراجعین خود رعایت کند. در مقاله حاضر، ضمن بررسی مبانی التزام این دادگاه به رعایت اصول دادرسی عادلانه، با نگاهی آسیب‌شناسانه، مهم‌ترین موارد نقض این اصول در رویه و اساسنامه دادگاه استخراج و در نهایت با توجه به تجربیات مثبت سایر محاکم اداری بین‌المللی، پیشنهادهایی در جهت رفع و اصلاح نقاط ضعف و نزدیک‌تر کردن رویه و اساسنامه دادگاه به استانداردهای یک دادرسی عادلانه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: دادگاه اداری، رویه قضایی، سازمان بین‌المللی کار ، حقوق بین‌الملل، دادرسی عادلانه.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر؛ (نویسنده مسئول)
z.mahmoudi@umz.ac.ir
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر،
ho.purbabagol@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها به اهمیت و نقش سازمان‌های بین‌المللی در زمینهٔ حفظ صلح، ثبات جهانی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی پی بردند و طی ۷۰ سال اخیر، با رشد پدیدهٔ جهانی‌شدن، سازمان‌های بین‌المللی به لحاظ تعداد و نیز کارکنان شاغل در آنها، رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. از یک سو، تردیدی وجود ندارد که لازمه کارکرد سالم و استقلال سازمان‌های بین‌المللی، آزادی عمل آنها در برابر دولت‌های عضو است و از سوی دیگر، برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از مصونیت، باعث گردیده که روابط میان کارکنان با سازمان‌های محل خدمتشان خارج از چارچوب صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورها قرار گیرد که این مسأله یکی از اصلی‌ترین عوامل پیدایش سازوکارهای قضایی داخلی در سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود (Javist,2013:223) . امروزه دادگاه‌های اداری در بیش از ۱۵ سازمان بین‌المللی فعال هستند که از جمله می‌توان به محاکم اداری سازمان بین‌المللی کار، سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اتحادیه اروپا اشاره کرد. در این میان، تعدادی از سازمان‌ها به جای ایجاد محاکم اداری مستقل، با انعقاد موافقت‌نامه‌ای از دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار (که از این پس به اختصار ILOAT[1] نامیده می‌شود) استفاده می‌کنند که در حال‌حاضر، این تعداد به بیش از ۶۰ سازمان بین‌المللی رسیده است. ILOAT مرجع حل و فصل قضایی اختلافات بیش از ۵۷۰۰۰ کارمند سازمان‌های بین المللی است؛ از این‌رو مهم‌ترین دادگاه اداری بین‌المللی محسوب می‌شود (Szente&Lachmayer,2017:63). این موضوع از یک منظر اهمیت نقش و جایگاه ILOAT را افزون ساخته و نشان می‌دهد ناسیونالیسم سازمانی که توسط برخی حقوقدانان مطرح شده بود در برابر صرفه‌جویی در هزینه و وقت مجبور به کرنش شده است (بیگ زاده،۱۳۹۵ :۲۹۲)؛ اما از منظر دیگر، ضرورت التزام ILOAT به معیارهای دادرسی عادلانه را مبرهن می‌سازد. دادرسی عادلانه یا منصفانه تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در یک مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (رستمی،۱۳۸۹ : ۸۹). اصطلاح دادرسی عادلانه به عنوان یک حق بشری از حدود دو قرن پیش به حقوق موضوعه راه یافته است؛ اما در ابتدا بیشتر در حوزهٔ دعاوی کیفری مطرح بوده تا حقی مجزا و مشخص. با تحولات صورت گرفته در حقوق بین‌الملل و تدوین اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۰) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی

1. International Labour Organization’s Administrative Tribunal

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴)، دادرسی عادلانه به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته شده و تمام دولت‌ها مکلف به اجرا و تضمین این حق شده‌اند. امروزه با شناسایی و احصاء مجموعه‌ای از قواعد مشخص ذیل عنوان دادرسی عادلانه، اول آنکه، وصف انتزاعی منصفانه‌بودن دادرسی که مستتر در برخی قواعد شکلی و آیینی پراکنده بوده ازچارچوب، ماهیت و محتوای مستقل و عینی برخوردار شده است؛ دوم آنکه، آیین دادرسی که به طور سنتی دارای تقسیمات مدنی و کیفری بوده است؛ در دهه‌های اخیر و با تحولات بنیادین به سمت ایجاد اصول و قواعد واحد در کلیه دعاوی اعم از مدنی، کیفری و اداری گام برداشته است (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۵۵-۲۵۴)؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت ما با جهانی شدن، قواعد آیین دادرسی و ایجاد الگویی واحد بر اساس معیارهای دادرسی عادلانه در کلیه دعاوی از جمله دعاوی اداری مواجه هستیم و حق دادرسی، عادلانه‌محور و مبنای متحدالشکل شدن آیین دادرسی در حوزه‌های مختلف قرار گرفته است (همان: ۲۵۴). این مقاله نیز با هدف بررسی اساسنامه و رویه ILOAT بر اساس معیارها و شاخصه‌های متحدالشکل دادرسی عادلانه شامل حق دادخواهی[1] حق تجدیدنظرخواهی[2]، برابری طرفین نزد دادگاه[3]، شفافیت قانون[4]، حق رسیدگی در مدت معقول[5]، علنی بودن[6] و انتشار عمومی آراء[7] تنظیم شده است. سؤالاتی که مقاله به دنبال پاسخ به آنها نوشته شده است؛ چنین است که: ۱. مبانی التزام حقوقی دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار به رعایت معیارهای دادرسی عادلانه چیست؟ و ۲. آیا اساسنامه و رویه کنونی ILOAT با معیارهای دادرسی عادلانه همخوانی دارد؟ برای این منظور، مقاله حاضر در سه بخش تنظیم شده است که بخش نخست آن به بررسی منشأ الزام ILOAT به قواعد دادرسی عادلانه اختصاص دارد و در بخش دوم، رویه و اساسنامه این نهاد با محک قواعد مربوط به دادرسی عادلانه سنجیده شده و در بخش سوم و پایانی با نگرشی بر تجربه موفق سایر محاکم اداری بین‌المللی، تلاش شده تا راهکارهایی برای رفع مشکلات کنونی ILOAT و در راستای رعایت معیارهای دادرسی عادلانه ارائه گردد.

---

1 .Right to access to Justice
2 .Right to Appeal
3 .Eauality of arms
4 .Clarity of law
5 .The Right to Be Heard Within a Reasonable Time
6 .The Right to a Public Hearing
7 .Public Decision

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۱. اثبات التزام ILOAT به رعایت معیارهای دادرسی عادلانه

شاید موضوع التزام ILOAT به رعایت قواعد دادرسی عادلانه در ابتدا امری بدیهی به نظر برسد؛ اما در چارچوب حقوق سازمان‌های بین‌المللی موضوع چندان ساده‌ای نیست. این مسأله قسمتی از بحث گسترده التزام سازمان‌های بین‌المللی به حقوق بین‌الملل است؛ حقیقت این است که مهم‌ترین اسناد مربوط به دادرسی عادلانه به طرفیت دولت‌ها منعقد شده و آنها را مخاطب خود قرار می‌دهند؛ بنابراین و با توجه به اصل نسبی بودن معاهدات[1]، به لحاظ حقوقی نمی‌توان با استفاده از این اسناد، یک سازمان بین‌المللی را مکلف به اجرای معاهداتی دانست که در آنها عضو نیست. حقوق بین‌الملل عرفی نیز اغلب منشاء دولتی داشته و سازمان‌های بین‌المللی به دلیل نو پا بودن، در مقایسه با دولت‌ها نقش کمرنگ‌تری در شکل‌گیری آن داشته‌اند (Cannon&Warlam,2007:27)؛ از این‌رو باید مشخص شود کهILOAT – به عنوان یکی از ارگان‌های سازمان بین‌المللی کار – بر چه اساسی ملزم به رعایت موازین دادرسی عادلانه است. برای این منظور، در ذیل به جستجوی منشاء الزام در منابع اصلی، کمکی و جدید حقوق بین‌الملل خواهیم پرداخت.

۱-۱. حقوق بین‌الملل عرفی

حقوق بین‌الملل عرفی متضمن اجرای اصول و قواعد مهم حقوق بین‌الملل برای کشورها و سازمان‌های بین‌المللی غیرعضو در معاهدات است (Clapham,2006:80) و سازمان‌های بین-المللی به واسطه شخصیت حقوقی فعال خود، موظف به اجرای مقررات عرفی بین‌المللی هستند (Shaw,1997:191). انعکاس این موضوع را می‌توان در نظریه مشورتی سال ۱۹۸۰دیوان بین-المللی دادگستری در پرونده تفسیر موافقتنامه میان سازمان بهداشت جهانی و مصر مشاهده کرد؛ دیوان در رأی خود مقرر می‌دارد که سازمان‌های بین‌المللی به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل، افزون بر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که منعقد کرده‌اند به حقوق بین‌الملل عرفی نیز ملتزم هستند.[2] طبق اصلی پذیرفته‌شده، قواعد اساسی مندرج در آن دسته از معاهدات و کنوانسیون‌هایی که به واسطه کثرت کشورهای عضو در آنها، شکل جهان‌شمول به خود گرفته است را می‌توان در حکم اصول و قواعد عرفی بین‌المللی دانست (Cannon&Warlam,2007:30). به همین دلیل و با توجه به اینکه معاهدات منطقه‌ای و جهانی زیادی در رابطه با اهمیت اصول دادرسی منصفانه و لزوم رعایت

---

1 .pacta tertiis nec nocent nec prosunt

2. ICJ Advisory Opinion of 20 December 1980, Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 Between the WHO and Egypt.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

این اصول توسط دولت‌ها وجود دارد؛ می‌توان این اصول را در زمره قواعد بین‌المللی عرفی تلقی کرد(Hannum,1996:345) . از سوی دیگر ، با گذشت زمان این عقیده که همه (از جمله کارمندان سازمانهای بین‌المللی) حق دسترسی به عدالت را دارند به شکل حق دسترسی به محاکم یا حق دسترسی به مکانیزمهای حل و فصل مستقل و بی‌طرفانه اختلاف از جایگاهی عرفی در حقوق بین‌الملل برخوردار شده است که رعایت آن برای سازمان‌های بین‌المللی نیز الزامی است. سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای مانند جامعهٔ اروپا و اتحادیهٔ اروپا، به‌تدریج این عقیده را تأیید کرده‌اند که صرف عدم ذکر تعهدات حقوق بشری در اسناد موسس این نهادها، آنها را از این تعهدات مبرا نمی‌سازد؛ چون تعهدات مزبور از ماهیت عرفی برخوردار شده‌اند. این مفهوم که حقوق بشر برای سازمانهای بین‌المللی لازم‌الرعایه است؛ در رویه قضایی بسیاری از دیوانهای اداری نیز تأیید شده است. دیوان اداری سازمان ملل متحد و دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار هر دو دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر را تأیید کرده‌اند که مطابق آن، اصول کلی حقوقی متضمن تعهدات مربوط به حقوق بنیادین بشر می‌تواند مکمل قواعد و آیین‌نامه‌های سازمان در خصوص کارمندان آن سازمان باشد. در همین راستا، «لوییزدوسوالد بک»، معاون حقوقی صلیب سرخ معتقد است جامعه بین‌المللی با انعقاد معاهدات متعدد در رابطه با اصول دادرسی منصفانه به منظور تبدیل این اصول به اصول عرفی بین‌المللی، تلاش خود را برای حمایت از اجرای این اصول نشان داده است. (Beck&Colb,2004:89).

۲-۱ . اصول کلی حقوقی

منظور از اصول کلی حقوقی، اصولی است که در کلیهٔ نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده و در قوانین داخلی کشورهای متمدن دنیا پذیرفته شده است. با توجه به جهان‌شمول بودن و انعکاس اصول مربوط به دادرسی عادلانه در قوانین داخلی کلیهٔ کشورهای جهان، تردیدی وجود ندارد که این اصول در زمرهٔ اصول کلی حقوقی بوده (Cannon&Warlam,2007:31-32) و طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان منبع اصلی حقوق بین‌الملل، نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات میان تابعان حقوق بین‌الملل از جمله سازمان‌های بین‌المللی ایفا می‌کنند. گزارش توضیحی رسمی دیوان اداری بانک جهانی به اصلی اشاره می‌کند که در بسیاری از نظام‌های حقوق داخلی مورد پذیرش قرار گرفته و در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر نیز مجدد تأیید شده است و مقرر می‌دارد هر جا که صلاحیت اداری اعمال شود باید تشکیلاتی باشد تا به طور عادلانه به رسیدگی بپردازد و روند رسیدگی مناسبی را برای طرف زیان‌دیده در موارد بروز اختلاف رعایت کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۳-۱. رویه قضایی

نظریه مشورتی شماره ۲۸۶۷ سال ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری خطاب به ILOAT را میتوان مهم‌ترین نظریه مربوط به لزوم رعایت اصول دادرسی منصفانه توسط سازمان‌های بین‌المللی دانست[1]که در آن دیوان ضمن رسیدگی مجدد به پرونده با تاکید بر لزوم رعایت اصول دادرسی منصفانه توسط ILOAT به انتقاد از ساختار موجود در این دادگاه پرداخته است. از آنجایی که دیوان در صدور نظرهای مشورتی به عنوان رکن قضایی ملل متحد و در خصوص نظم عمومی بین‌المللی اظهارنظر می‌کند(Vicuna,2009:8)؛ از این‌رو جامعه بین‌المللی از آثار نظرهای مشورتی متاثر خواهد شد. با چنین تصویری روشن است که نظرهای مشورتی دیوان تنها جنبه مشورتی نداشته؛ بلکه درحقیقت موضع حقوق بین‌الملل را در قبال یک مسأله روشن می‌کنند و بر نظام حقوقی مربوط به مسأله مورد نظر و تمامیت حقوق بین‌الملل تاثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، دیوان در صدور نظرهای مشورتی، نمایندگی جامعه بین‌المللی را برای رفع ابهام حقوقی بر عهده می‌گیرد (مقالی و انصاری،۱۳۹۴ :۴۷۴). با این وصف، تاکید دیوان بین‌المللی دادگستری بر لزوم رعایت اصول دادرسی منصفانه توسط ILOAT به‌خوبی نشان‌دهنده لازم‌الاجرا بودن این اصول برای سازمان‌های بین‌المللی و به طور خاص ILOAT است.

٤-۱. حقوق نرم

با افزایش نقش و تعداد دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی مختلف در دهه‌های اخیر، تمرکز تلاش‌های بین‌المللی بر روی توسعه استانداردهای رعایت دادرسی منصفانه در این محاکم است و بیشتر این تلاش‌ها در قالب اسناد حقوقی نرم متبلور شده است (Mackenzie & Sands,2003:271). مهم‌ترین اسناد حقوق نرم در رابطه با اصول دادرسی عادلانه، اعلامیه جهانی استقلال قضایی و اصول بورگ‌هاوس[2] است که در زیر بررسی می‌شود.

1. ICJ Judgment NO. 2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization Upon a Complaint Filed Against the International Fund for Agricultural Development.
2. Burgh House Principles

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۱-٤-۱. اعلامیه جهانی استقلال قضایی (اعلامیه مونترال)

اعلامیه جهانی استقلال قضایی در سال ۱۹۸۳ و در نخستین کنفرانس جهانی استقلال قضایی در مونترال کانادا و با اکثریت آرا تصویب شد[1]. هدف از این کنفرانس، تهیه و تنظیم اصول استقلال قضایی در قالب اعلامیه‌ای جهان‌شمول بود. نکته قابل‌توجه آن است که به غیر از دولت‌های شرکت‌کننده، نمایندگانی از ۲۰ سازمان بین‌المللی مختلف نیز در این کنفرانس حضور داشتند و به همین دلیل در اعلامیه به غیر از معرفی اصول و قواعد مورد نیاز برای استقلال قضایی در حقوق داخلی کشورها به معرفی این اصول در عرصه بین‌المللی نیز پرداخته شده است. لزوم رعایت برخی از مهم‌ترین قواعد مربوط به دادرسی عادلانه مانند برابری در نزد دادگاه، حق دادخواهی و شفافیت قانون در این اعلامیه مورد تاکید قرار گرفته است (Shetreet&Deschenes,1985:395-446).

۲-٤-۱. اصول بورگ‌هاوس

اصول بورگ‌هاوس در سال ۲۰۰۴ و توسط کارگروه تخصصی مطالعه و تحقیق دربارهٔ دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی مستقر در انجمن حقوق بین‌الملل ارائه شده است. این اصول شامل هفت بخش اصلی بوده و با هدف ارائهٔ استانداردهایی برای رعایت اصول دادرسی منصفانه در محاکم بین‌المللی تدوین شده است. اگرچه اصول بورگ‌هاوس مربوط به دیوان و دادگاه‌های دائمی بین-المللی است؛ با این حال، انجمن حقوق بین‌الملل، این اصول را برای دادگاه‌ها و قضات موردی و خاص، قضات نیمه‌وقت، دادگاه‌های مقطعی و هر شکل دیگری از محاکم بین‌المللی، مناسب و قابل اعمال دانسته است (Cannon&Warlam,2007:22) .

با توجه به آنچه بیان شد، ILOAT بر اساس قواعد عرفی الزام‌آور بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و نیز قواعد نرم حقوق بین‌الملل (که اگرچه به لحاظ قالب و صورت، الزام‌آور نیستند؛ ولی محتوای آنها به این دلیل که مبین قواعد عرفی است، از الزام حقوقی برخوردار است) متعهد به رعایت اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های خود است. در بخش بعدی مقاله، میزان انطباق و رعایت این اصول را بررسی خواهیم کرد.

1. Universal Declaration on the Independence of Justice, Montreal, June,1983.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۲. ILOAT در سنجه دادرسی عادلانه

سازمان بین‌المللی کار برای حل و فصل اختلافات از روش‌های رسمی و غیررسمی استفاده می‌کند. روش‌های غیررسمی بیشتر با هدف کم کردن بار روش‌های رسمی بوده و استفاده صحیح از آنها برای سازمان و مراجعه‌کنندگان، دارای جنبه‌های مفید زیادی است؛ از جمله اینکه پرونده مراجعه‌کنندگان در زمان بسیار کوتاهتری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت درخواست افراد، معمولا اطلاعات پرونده کاملا محرمانه باقی می‌ماند؛ همچنین حل و فصل یک پرونده به شیوه غیررسمی، هزینه بسیار کمتری به سازمان تحمیل کرده، از تورم اختلافات اداری کاسته و بازدهی سازمان را افزایش می‌دهد. در حال‌حاضر، سازمان بین‌المللی کار از دو روش غیررسمی شامل دفتر اخلاق و دفتر میانجیگری استفاده می‌کند و ILOAT تنها نهاد رسمی حل اختلاف در این سازمان است(Javist,2013:235-236).

ILOAT اولین دادگاه اداری است که توسط یک سازمان بین‌المللی ایجاد شده و خاستگاه آن، دادگاه اداری جامعه ملل است. ایده این دادگاه در سال ۱۹۲۷ و توسط اولین مدیر سازمان بین‌المللی کار مطرح گردید. اساسنامه دادگاه اداری جامعه ملل در سپتامبر ۱۹۲۷ به تصویب مجمع جامعه ملل رسید. این دادگاه تا سال ۱۹۴۶ فعالیت کرد و حدود ۴۰ رأی صادر نمود. در پی انحلال جامعه ملل در ۱۹۴۶، این دادگاه منحل نشد؛ بلکه تبدیل به دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار شد (بیگ‌زاده،۱۳۹۵ :۲۹۲). اساسنامه جدید دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۴۶ تصویب شد و امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری را نیز پیش‌بینی نمود. ILOAT دو بار در سال و هر بار به مدت سه هفته در شهر ژنو تشکیل جلسه می‌دهد. این نهاد مرکب از هفت قاضی با تابعیت‌های متفاوت است که توسط کنفرانس سازمان بین‌المللی کار برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند؛ اما جلسات دادگاه اغلب با حضور سه قاضی و در موارد استثنایی و بنا به نظر رئیس با حضور پنج یا هفت قاضی برگزار می‌شود. ILOAT به درخواست طرفین، شروع به بررسی پرونده می‌کند و جریان رسیدگی به پرونده‌ها شامل: درخواست از طرفین برای حضور در دادگاه، احضار شاهد، درخواست نظر متخصص و درخواست مشاوره از هر مقام صلاحیت‌دار بین‌المللی می‌شود. آیین رسیدگی به‌صورت پرونده به پرونده بوده و در موارد معدودی، جلسات دادگاه، علنی برگزار می‌شود. احکام صادره باید به اطلاع شاکی و دبیرکل سازمان بین‌المللی کار و بسته به مورد، به اطلاع دبیرکل سازمان دیگر طرف دعوی برسد (Cannon&Warlam,2007:9-11). طبق ماده ۲ اساسنامه ILOAT، این دادگاه در موارد زیر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

صلاحیت رسیدگی دارد: دعاوی مرتبط با عدم اجرای مقررات ماهوی و شکلی قرارداد کارکنان دفتر بین‌المللی کار (دبیرخانه)، همین‌طور مقررات مربوط به وضعیت کارمندان آن، اختلافات مربوط به خسارات پیش‌بینی شده برای معلولیت، تصادف یا بیماری کارمندان، در صورتی که حین اجرای وظیفه پیش آمده باشد؛ همچنین تعیین میزان خسارت وارده، دعاوی مرتبط با عدم اجرای آیین‌نامه صندوق بازنشستگی و یا قواعد لازم‌الاجرای مرتبط با آن و دعاوی مرتبط با عدم اجرای قراردادهایی که سازمان بین‌المللی کار طرف آنهاست. مقرره اخیر، صلاحیت دادگاه را به کلیه افرادی که خدمات موردی به سازمان ارائه می‌دهند از جمله کارشناسان و افرادی که قرارداد روزانه دارند نیز بسط می‌دهد. علاوه بر حالت‌های فوق که همگی در چارچوب سازمان بین‌المللی کار مطرح می‌شود؛ILOAT به دادخواست‌های مربوط به عدم اجرای مقررات شکلی و ماهوی قراردادهای کارمندان و مقررات مربوط به وضعیت کارمندان برخی از مهم‌ترین موسسات تخصصی ملل متحد از جمله: یونسکو، سازمان جهانی بهداشت، سازمان جهانی هواشناسی، فائو، اتحادیه جهانی پست، اتحادیه بین‌المللی ارتباطات و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز رسیدگی می‌کند؛ این صلاحیت گسترده عملا ILOAT را به مهم‌ترین دادگاه اداری بین‌المللی بدل کرده است؛ این در حالی است که از زمان تصویب اساسنامه دادگاه تاکنون، تعداد قضات و مدت زمان فعالیت دادگاه، دستخوش تغییر چندانی نشده و این امر سبب بروز نگرانی‌هایی در رابطه با ظرفیت و توان ILOAT برای انجام وظایفش شده است. در مطالب پیش‌رو، تلاش گردیده تا با بررسی اساسنامه و رویه‌کاری ILOAT و انطباق آن با معیارهای دادرسی عادلانه، موارد عدم انطباق جزئی یا کلی نظام اداری و قضایی ILOAT احراز گشته و هر یک از این موارد به صورت جداگانه نقد و بررسی شود.

۱-۲. کمبود تعداد کارکنان و قضات

آمارهای موجود نشان می‌دهد که ILOAT تا سال ۲۰۱۲ حدوداً ۴۵۰ پرونده در دست بررسی داشته است؛ این در حالی است که ظرفیت رسیدگی دادگاه ۷۰ تا ۷۵ پرونده در سال است؛ در نتیجه به لحاظ منطقی و با فرض عدم ارجاع هیچ پرونده جدیدی از سال ۲۰۱۲ به این سو، حدود شش سال زمان برای رسیدگی به پرونده‌های موجود نیاز است (Hardon,2015:1)؛ از این‌رو بدیهی است که روند حاکم بر رسیدگی به پرونده‌ها در تناقضی آشکار با حق رسیدگی در مدت معقول می‌باشد؛ از آنجایی که لازمهٔ اجرای این حق، رعایت سرعت لازم و بدون تاخیر ناموجه در رسیدگی به پرونده‌ها بوده و یکی از عناصر مهم در تشخیص عادلانه یا غیرعادلانه بودن زمان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

رسیدگی مربوط به وجود یا عدم وجود نیروی متخصص کافی و یا کمبود آن است (حسینی،۱۳۹۳ : ۱۵)؛ حال آنکه میان تعداد پرونده‌های مطروحه در ILOAT با تعداد کارکنان و قضات این نهاد، تناسبی وجود نداشته است و مراجعین برای رسیدگی به پرونده خود باید مدت زمان طولانی در صف انتظار باشند.

۲-۲. تنوع و پراکندگی در قوانین مورد استفاده

چنانچه اشاره شد ILOAT دادگاه اداری بیش از ۶۰ سازمان بین‌المللی است و با توجه به اینکه هر سازمان، اساسنامه و قوانین داخلی خاص خود را دارد؛ از این‌رو، این دادگاه ناگزیر در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به هر یک از این سازمان‌ها باید به صورت یک دادگاه موردی و خاص عمل کند و اساسنامه و قوانین داخلی سازمان طرف دعوی را ملاک رسیدگی قرار دهد (Gulati,2018:216). البته ناگفته نماند که در کنار قوانین داخلی خاص هر سازمان، مجموعه قواعد مشترکی نیز وجود دارد که به عنوان قواعد عام حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند در روند رسیدگی به کلیه پرونده‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Hardon,2015:10)؛ اما از آنجایی که این قواعد عام، خصلت تکمیلی دارند؛ کمکی به حل مشکل تنوع قوانین مورد استفاده ILOAT نمی‌کنند. در نگاه نخست، شاید ارتباط میان تنوع قوانین و نقض حق دادخواهی، کمی ناملموس باشد؛ اما با دقت در عناصر تعریف حق دادخواهی به معنی حق دسترسی به دادگاه صلاحیت‌دار و مستقل که از تخصص فنی و قانونی برخوردار است؛ درمی‌یابیم که تنوع در قوانین مورد استفاده، ناقض عنصر تخصص فنی بوده است؛ از این‌رو، نقض حق دادخواهی به حساب می‌آید. با توجه به کثرت سازمان‌های تحت پوشش ILOAT و تنوع قوانین داخلی آنها، امکان تسلط کافی قضات به این قوانین وجود ندارد و بدیهی است که عدم تسلط و ناکافی بودن دانش قاضی نسبت به قوانین موضوعه می‌تواند مانعی در برابر اجرای عدالت باشد.

۲-۳. عدم رعایت استانداردهای اصولی تجدیدنظرخواهی

سازوکار تعبیه شده برای تجدیدنظرخواهی درILOAT بسیار دشوار و محدود به شرایط خاص است و در نتیجه، رسیدگی به پرونده‌ها عملاً به صورت تک‌مرحله‌ای انجام می‌شود. تا پیش از سال ۲۰۱۷، طبق ماده ۱۲ اساسنامه این دادگاه، در صورت درخواست سازمان بین‌المللی کار یا سازمان بین‌المللی که رأی صادره در رابطه با یکی از کارکنان آن سازمان بود؛ دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توانست اقدام به صدور نظر مشورتی کند؛ البته بازبینی آراء توسط دیوان، تنها محدود

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

به دو حالت خاص یعنی اشتباه دادگاه در احراز صلاحیت خود و وقوع اشتباهی بنیادین توسط دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده می‌شد و حقی برای تجدید نظرخواهی اشخاص حقیقی پیش‌بینی نشده بود. در آوریل سال ۲۰۱۰ پرونده‌ای از سوی صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی برای تجدید نظرخواهی از رأی ILOAT به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شد. دیوان ضمن تصریح به این موضوع که ساختار ILOAT حق تجدیدنظرخواهی را –که از اصول مهم دادرسی عادلانه است– نقض می‌نماید؛ پیشنهاد نمود این دادگاه برای دستیابی به یک نظام دادرسی منصفانه مدرن، اساسنامه خود را اصلاح کند (Gallo,2014:4-6). بعد از نظریه مشورتی فوق، ایده تغییر در اساسنامه ILOAT و دو مرحله‌ای کردن نظام دادرسی، شکل جدی‌تری به خود گرفت و در نهایت با حذف ماده ۱۲ و ایجاد تغییر در ماده ۶ اساسنامه، نظام بازنگری در آراء مورد پذیرش قرار گرفت[۱]. با این حال، نظام جدید نیز فاقد استانداردهای اصولی تجدیدنظرخواهی است. بی‌تردید، حق تجدیدنظرخواهی، ابزار حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی بوده و به موجب بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محکوم‌علیه از حق درخواست بازنگری در هر نوع دادرسی برخوردار است. در نظام دادرسی منصفانه، رسیدگی باید حداقل دو مرحله‌ای باشد و امکان بازنگری در رأی یک قاضی توسط قاضی یا قضاتی جدید که در مرتبه بالاتری قرار دارند؛ می‌تواند مانعی جدی در برابر سوءاستفاده عمدی یا اشتباه سهوی قضات نسبت به قوانین موضوعه باشد (Nobles&Schiff,2008:1). این در حالی است که در نظام بازبینی شده ILOAT، هیچ نهاد بالاتری برای بررسی پرونده‌ها پیش‌بینی نشده است؛ بلکه در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ترکیبی متفاوت از قضات قبلی اقدام به بازبینی پرونده خواهند کرد؛ به بیان دیگر، هفت قاضی دادگاه به صورت گردشی به بازبینی پرونده‌های یکدیگر می‌پردازند که چنین امری با فلسفه وجودی نهاد تجدیدنظرخواهی در تناقض آشکار است. این ضعف در کنار چالش ازدحام پرونده‌های مفتوح در ILOAT نشان می‌دهد که در ساختارکنونی، عملا مجالی برای بازبینی دقیق پرونده‌ها وجود نخواهد داشت.

---

۱. بند ۱ماده ۶: رأی دادگاه قطعی و غیرقابل تجدیدنظر خواهد بود؛ با این حال، دادگاه می‌تواند درخواست‌های مربوط به تفسیر، اجرا یا بازنگری در رأی صادره را مورد بررسی قرار دهد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

٤-۲. مخدوش بودن استقلال و بی‌طرفی دادگاه

استقلال دادگاه به معنی توانایی قاضی در تصمیم‌گیری بدون هر گونه فشار یا انگیزه احتمالی است (رستمی،۱۳۸۹ : ۹۱). بدون تردید، استقلال قضات از کلیدی‌ترین شاخصه‌های مورد نیاز برای منصفانه بودن دادرسی در نظام‌های قضایی محسوب می‌شود. در رابطه با میزان استقلال واقعی ILOAT، تردیدهایی وجود دارد که بیشتر در سه حوزه انتصاب قضات، تعارض منافع قضات و استقلال مالی دادگاه قابل طرح است.

۱-٤-۲. نحوه انتصاب قضات

نحوه انتصاب قضات ILOAT شفاف نیست و دخالت سازمان بین‌المللی کار در انتصاب قضات – با وجود عدم توجیه قانونی طبق اساسنامه دادگاه- به رویه‌ای معمول بدل شده است. دخالت سازمان باعث می‌شود تا عملاً هیچ تضمینی برای استقلال قضات در برابر سازمان وجود نداشته باشد (Hardon,2015:7-8). طبق بند ۲ ماده ۳ اساسنامه، هفت قاضی برای دوره سه ساله توسط کنفرانس سازمان بین‌المللی کار منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان برای دوره بعد بلامانع است. این قانون عملاً قضاتILOAT را به کارکنان سازمان بین‌المللی کار بدل نموده که استقلال واقعی ندارند؛ زیرا انتخاب مجدد آنان منوط به رضایت سازمان از نحوه عملکرد آنها خواهد بود؛ این شیوه در تناقض آشکار با اصل استقلال قضات بوده و حتی بیم آن می‌رود که با توجه به امکان انتخاب مجدد، نحوه عملکرد قضات؛ جانبدارانه و در راستای حمایت از سیاست‌های سازمان باشد.

علاوه بر این، در اساسنامه ILOAT به صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم برای انتصاب قضات اشاره‌ای نشده است؛ اگرچه تاکنون قضات از میان افراد باتجربه و کاردان انتخاب شده‌اند؛ با این حال، خلاء اساسنامه به قوت خود باقی است و همچنان امکان انتصاب قضات بدون مهارت قضایی کافی متصور است (Cannon&Warlam,2007:41-42).

۲-٤-۲. تعارض منافع

مفاد اساسنامه ILOAT از دخالت قضات در پرونده‌هایی که مبین تعارض منافع است، جلوگیری به عمل نیاورده و طبیعتا هیچ راهکار عملی نیز برای جلوگیری از انتخاب قضاتی که منفعت متعارض احتمالی دارند، ارائه نشده است. افراد تا زمان ابلاغ حکم دادگاه هیچ اطلاعی از قضات انتخابی برای پرونده خود نداشته و بعد از صدور رأی نیز سازوکاری برای اعتراض آنها به این

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

موضوع پیش‌بینی نشده است (Cannon&Warlam,2007:54). این خلاء اساسنامه به‌وضوح ناقض حق دادخواهی افراد است؛ حقی که بی طرفی قضات از ابتدایی‌ترین شرایط آن به حساب می‌آید.

۳-٤-۲. عدم استقلال مالی

در رابطه با نحوه تامین بودجه و نظام پرداخت حقوق به قضات،،ILOAT ، شفافیت کافی وجود ندارد. طبق اساسنامه دادگاه، هزینه دادرسی هر پرونده بر عهده سازمانی است که کارمندش اقدام به طرح شکایت نزد دادگاه نموده؛ یعنی بودجه دادگاه توسط سازمان‌های بین‌المللی تامین می‌شود که از این نهاد قضایی استفاده می‌کنند و این وابستگی مالی، مطلق است. نگرانی‌های ناشی از وابستگی مالی ILOAT به سازمان‌های بین‌المللی طرف قرارداد تا حدودی به‌جاست؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که غالباً امکان موفقیت دعوی طرح شده توسط کارکنان اندک است (Cannon&Warlam,2007:54). مسأله بعدی، وابستگی مالی به سازمان بین‌المللی کار است. ممکن است در نگاه اول، وابستگی مالی ارگان یک سازمان بین‌المللی به سازمان متبوع خود، امری بدیهی و بدون اشکال به نظر برسد؛ اما وضعیت ارگان‌های قضایی به دلیل اهمیت استقلال قضات، قابل قیاس با سایر ارگان‌ها نیست. همان‌طور که دادگاه اداری سازمان ملل اگرچه در ساختار سازمانی، رکن فرعی مجمع عمومی است؛ در صدور تصمیمات خود و اجرای آن‌ها، اگرچه در مقابل مجمع عمومی از استقلال کامل برخوردار است؛ تا آنجا که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی سال ۱۹۵۴ خود با موضوع اعتبار آراء، جبران خسارت صادره توسط دادگاه اداری سازمان ملل، ضمن تاکید بر منزلت این دادگاه، مجمع عمومی را قانوناً ملزم به تبعیت از این رکن فرعی خویش قلمداد نمود (زمانی،۱۳۹۶ :۲۰۰). تجربه عملی سازمان‌هایی مانند سازمان ملل در برطرف کردن موانع استقلال مالی دادگاه اداری خویش نشان می‌دهدکه استقلال مالی نهاد قضایی یک سازمان، رابطه تنگاتنگی با بی‌طرفی و رعایت عدالت توسط آن نهاد خواهد داشت.

۵-۲. عدم شفافیت قضایی

ایراد عدم شفافیت را در دو زمینه می‌توان مطرح کرد؛ یکی سوءاستفاده ILOAT از اختیاری که اساسنامه برای برگزاری جلسات به صورت علنی به این دادگاه اعطاء کرده و دیگری، عدم شفافیت در قوانین مورد استفاده برای صدور رأی است که منتهی به عدم استفاده از کنوانسیون‌های حقوق بشری شده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۱-۵-۲. سوء استفاده از اختیار برگزاری علنی جلسات

علنی بودن رسیدگی به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم از فرآیند دادرسی است؛ این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام بوده و اجرای آن می‌تواند گام موثری در راستای رعایت عدالت و انصاف توسط یک نظام قضایی باشد (حسینی،۱۳۹۳ : ۱۲). در واقع، میزان رغبت یک نهاد قضایی به برگزاری علنی جلسات، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با میزان رعایت عدالت و انصاف توسط آن نهاد دارد. البته این اصل مطلق نبوده و به دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد قابل تحدید است (Synmondis,2000:85). طبق ماده ۵ اساسنامه ILOAT، دادگاه در صورت درخواست استماع شفاهی شکایت، مخیر به پذیرش یا رد این درخواست است و در صورت پذیرش درخواست استماع شفاهی، تصمیم خواهد گرفت که روند برگزاری جلسات به صورت عمومی و علنی باشد یا خیر[۱]؛ اما رویه حاکی از این است که ILOAT عملاً اعتقادی به جلسات علنی نداشته و تاکنون کلیه درخواست‌های مربوط به رسیدگی علنی و استفاده از شهود را رد کرده است (Elias,2012:382-383). در حال‌حاضر در وب‌سایت رسمی این دادگاه، صرفاً می‌توان به اطلاعات محدودی از روند رسیدگی و آراء صادره در هر پرونده دست یافت؛ در حالی که دادگاه‌های اداری دیگر مثل دادگاه اداری سازمان ملل یا دادگاه اداری اتحادیه اروپا از طریق وب‌سایت رسمی خود، اطلاعات کاملی از پرونده‌های رسیدگی شده یا در حال رسیدگی در اختیار عموم قرار می‌دهند. رویه جاری ILOAT و سوءاستفاده این نهاد از اختیار اعطاء شده در ماده ۵ در مغایرت آشکار با ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ناقض حق دادرسی عادلانه مراجعه‌کنندگان است.[۲] بدیهی است که انتشار عمومی آراء، نقش مهمی در شفاف‌سازی روند حاکم بر رسیدگی‌ها دارد و این امکان را به طرفین پرونده و افکار عمومی می‌دهد تا بر اساس قوانین موضوعه به بررسی میزان مستدل بودن آراء، شفافیت، قانون‌مداری و بی‌طرفی دادگاه بپردازند.

---

۱. ماده ۵: در روند رسیدگی به یک پرونده، دادگاه می‌تواند درخواست استماع شفاهی توسط هر یک از طرفین را قبول و یا رد کند؛ در صورت پذیرش این درخواست تصمیم به برگزاری جلسات دادگاه به صورت علنی یا در برابر دوربین‌ها با دادگاه خواهد بود.

۲ . ماده ۱۰: هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۲-۵-۲. شفاف نبودن قوانین مورد استفاده

اساسنامه ILOAT فاقد مقرره‌ای است که قضات را ملزم به استفاده از قوانین مشخص نماید. هرچند قوانین داخلی سازمان‌ها و اصول کلی حقوقی، به‌ویژه اصول مرتبط با حقوق اداری، نقش موثری در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه دارند؛ با این‌حال، ILOAT مکرر به درخواست‌های مربوط به استفاده از قواعد حقوق بشری که در کنوانسیون‌های مختلف مورد شناسایی قرار گرفته، پاسخ منفی داده است. استدلال دادگاه این است که چون سازمان‌های بین‌المللی، عضو این کنوانسیون‌ها نیستند؛ الزامی به رعایت مفاد آنها ندارند. چنانچه در قسمت نخست مقاله اشاره شد؛ امروزه بسیاری از قواعد حقوق بشری، شکل عرفی به خود گرفته، از این‌رو تردیدی در التزام ILOAT به رعایت قوانین حقوق بشری وجود ندارد.

نامشخص بودن قوانین مورد استفاده توسط دادگاه را می‌توان مصداق بارز عدم شفافیت یک نظام قضایی دانست. طبق اصل شفافیت قضایی، قوانین مورد استفاده در محاکم باید شفاف، تا حد ممکن ثابت و در دسترس کسانی باشد که از آنها استفاده می‌کنند. اهمیت این موضوع تا حدی است که لزوم شفافیت قوانین و الزامات حقوق بشری ناشی از آن‌ها به منزله رکن رکین حاکمیت قانون و عدم شفافیت قانون در حکم فقدان قانون قلمداد شده است (مؤذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۳۹۷ : ۲۰۰-۲۰۵).

۲-٦. نابرابری طرفین دعوی نزد دادگاه

برابری طرفین نزد دادگاه یکی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است. با این حال یکی از مهم‌ترین نشانه‌های نابرابری در ساختار فعلی ILOAT ، عدم پیش بینی نظام تحقیق و بررسی در اساسنامه این دادگاه است (Hardon,2015:9-10). در حال حاضر ILOAT صرفاً بر اساس مدارک ارائه شده توسط طرفین اختلاف مبادرت به صدوررأی می‌نماید؛ در چنین وضعیتی که تمام بار اثبات دعوی بر دوش طرفین دعوی است؛ مشخصاً کارکنان سازمان‌های بین‌المللی نسبت به سازمان متبوع خود در موضع ضعف قرار گرفته و در اغلب موارد، قادر به ارائه کامل مدارک مورد نیاز نخواهند بود.

ضعف ILOAT در این زمینه، زمانی بیشتر برجسته شد که اتحادیه کارکنان سازمان ثبت اختراع اروپا[1] – به عنوان یکی از سازمان‌هایی که برای حل و فصل اختلافات داخلی خود از دادگاه

1. The European Patent Organization

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

اداری سازمان بین‌المللی کار استفاده می‌کند- در آخرین شماره از گزارش‌های خود (۲۰۱۵)، با ارائه آمار و مستندات، نابرابری نزد دادگاه را یکی از اصلی‌ترین مشکلات ILOAT اعلام نمود. این گزارش پس از بررسی پرونده‌های رسیدگی‌شده در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ نشان داد که موفقیت کارکنان سازمان‌های بین‌المللی مختلف که به عنوان خواهان، نزد این دادگاه حاضر شده‌اند، زیر ۳۰ درصد بوده و حتی این رقم گاهی به کمتر از ۱۵ درصد نیز رسیده است. این آمار نگران‌کننده می‌تواند گواهی بر فقدان برابری میان طرفین دعوی (سازمان و کارمند) باشد؛ به نحوی که سازمان(های) طرف اختلاف بنا به موقعیت برتر و قدرت بیشتری که در عرصه بین‌المللی دارند؛ توانسته‌اند از خلاءهای اساسنامه‌ای استفاده کنند و روند دعاوی را به نفع خود تغییر دهند؛ تداوم این وضعیت می‌تواند موجب بی‌اعتمادی کارکنان نسبت به این دادگاه اداری شود.

۳. راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح اساسنامه ILOAT

بررسی‌های انجام شده در قسمت قبل مقاله نشان داد که بعضاً مفاد اساسنامه و در برخی موارد نیز رویه ILOAT موجب شده تا این دادگاه در اعمال معیارهای عمومی دادرسی عادلانه، عملکرد مطلوبی نداشته باشد. با توجه به ماهیت عرفی قوانین حقوق بشری متضمن معیارهای دادرسی عادلانه و الزام سازمان‌های بین‌المللی و ارگان‌های آنها به رعایت قواعد مزبور، انجام اصلاحات در اساسنامه ILOAT و رویه این دادگاه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه طی دهه گذشته، دادگاه‌های اداری برخی از سازمانهای بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای از قبیل دادگاه حل اختلاف سازمان ملل (با بیش از ۴۰۰۰۰ کارمند) و دادگاه ویژه اداری اتحادیه اروپا (با ۳۰۰۰۰ کارمند) توانسته‌اند ضمن انطباق مفاد اساسنامه‌های خود با استانداردهای دادرسی عادلانه، همپای تحولات حقوق بین‌الملل پیش رفته و نظام دادرسی خود را در راستای اصول دادرسی عادلانه نوسازی کنند. روش این دادگاه‌ها می‌تواند الگوی مناسبی برای ILOAT باشد. در مطالب پیش‌رو سعی گردیده با ژرف‌نگری به ایرادها و نقدهای بیان شده در قسمت پیشین مقاله و با بهره‌گیری از تجربیات موفق محاکم اداری برخی از سازمان‌های بین‌المللی، پیشنهادهایی در راستای بهبود وضعیت ILOAT ارائه شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

۱-۳. افزایش تعداد قضات و مدت زمان تشکیل دادگاه

چنانچه اشاره شد، ILOAT قادر به پاسخ‌گویی درست و به‌موقع به پرونده‌های ارجاعی نبوده و دادرسی‌ها در مدت معقول انجام نمی‌گیرد. راه حل منطقی این مشکل، افزایش تعداد قضات و مدت زمان فعالیت دادگاه است که با اعمال اصلاحات در اساسنامه میسر خواهد شد. دادگاه حل اختلاف سازمان ملل نیز تا پیش از اعمال اصلاحات بنیادین در اساسنامه، به شکل مقطعی تشکیل می‌شد؛ اما در حال حاضر، دو دفتر پاره‌وقت و سه دفتر تمام‌وقت دارد[۱]. دادگاه ویژه اداری اتحادیه اروپا نیز هم‌زمان با افزایش میزان پرونده‌ها به منظور رعایت حق رسیدگی در مدت معقول، تصمیم گرفت تا با افزایش تعداد قضات و تخصیص قضات ویژه به این بخش، روند رسیدگی به پرونده‌ها را تسریع نماید[۲].

۲-۳. اصلاح ساختار قضات شعب تجدیدنظر

باوجود آنکهILOAT، تحت‌تاثیر فشارهای بین‌المللی اقدام به ایجاد نظام دادرسی دو مرحله‌ای کرده است؛ اما تغییرات به عمل آمده بیش از آنکه با هدف به رسمیت شناختن حق تجدیدنظرخواهی و برقراری عدالت باشد؛ برای رهایی از فشار انتقادات وارده صورت گرفته است؛ از همین‌رو، بیشتر به عکس‌العملی تصنعی و ساختگی شبیه است. برای حل واقعی این مشکل، ILOAT باید با در نظر گرفتن قضاتی متفاوت از قضات دادگاه بدوی یک نظام دادرسی دو مرحله‌ای واقعی را بنا نهد. استفاده از تجربه موفق دادگاه‌های اداری برخی سازمان‌های بین‌المللی که نهاد قضایی اصلی سازمان خود و یا نهاد قضایی مستقل از دادگاه اداری خویش را به عنوان مرجع تجدیدنظرخواهی پیش‌بینی کرده‌اند، می‌تواند راهگشا باشد. مثال مورد اول، دادگاه اداری اتحادیه اروپا است که دیوان دادگستری اتحادیه اروپا را مرجع تجدیدنظرخواهی آرای خود می‌داند[۳]و مثال دوم، دادگاه حل اختلاف سازمان ملل متحد است که با اعمال اصلاحات، سازوکار دادرسی دو مرحله‌ای را بنا نهاده که طبق آن، رأی دادگاه بدوی با درخواست تجدیدنظرخواهی هر یک از

---

۱ . ماده ۵ اساسنامه این دادگاه مقرر می‌دارد سه قاضی تمام وقت در نیویورک، ژنو و نایروبی باید مشغول به کار شوند و بر اساس تصمیم رئیس دادگاه، قضات نیمه وقت باید شش ماه کاری از سال را در مکان و زمان مشخص شده مشغول به کار باشند.

۲ . در مقدمه اساسنامه این دادگاه، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها از اهداف تشکیل دادگاه ویره اداری ذکر شده است.

۳ . ماده ۱۰ بند ۲: هر یک از طرفین می‌توانند تا دو ماه از تاریخ صدور رأی به آرای صادره از دادگاه اداری اتحادیه اروپا در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا درخواست تجدیدنظرخواهی کنند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

طرفین به دادگاه تجدید نظر سازمان ملل ارجاع می‌شود[۱]. چنانچه مشخص است در هر دو شیوه، تجدیدنظرخواهی توسط نهادی جدا و با هیأتی از قضات که متفاوت از قضات بدوی هستند، انجام می‌شود.

۳-۳. تغییر در نحوه انتخاب قضات ، مدت و نحوه فعالیت آنها

نقش موثر سازمان بین‌المللی کار در انتصاب قضاتILOAT، دوره فعالیت کوتاه‌مدت و امکان انتخاب مجدد قضات، تردیدهای زیادی را در خصوص بی‌طرفی و عملکرد درست قضات رقم زده است. ایجاد نهادی مستقل از سازمان بین‌المللی کار برای انتصاب قضات می‌تواند تا حد زیادی به این انتقادات پاسخ دهد؛ نهادی که بدون وابستگی و با ارزیابی درست از میزان تخصص قضات، آنها را انتخاب نماید. مشابه چنین نهادی، شورای قضایی سازمان ملل متحد است که وظیفه انتخاب قضات دادگاه حل اختلافات سازمان ملل را بر عهده دارد؛[۲] همچنین افزایش دوره کاری قضات از دوره کوتاه مدت سه‌ساله به دوره‌های بلندمدت‌تر و در عین حال، ممنوعیت انتخاب مجدد آنها، علاوه بر آنکه سبب ایجاد امنیت شغلی برای قضات می‌شود؛ ایراد وارده درخصوص عدم بی‌طرفی آنان را تا حد زیادی مرتفع می‌سازد. برای مثال، طبق ماده ۲ اساسنامه دادگاه اداری اتحادیه اروپا، قضات برای یک دوره شش ساله انتخاب شده و انتخاب مجدد آنان ممنوع است. همین شیوه برای انتخاب قضات دادگاه حل اختلافات سازمان ملل پیش‌بینی شده است؛ با این تفاوت که دوره فعالیت قضات هفت سال در نظر گرفته شده است (بند ۴ ماده ۴ اساسنامه)؛ همچنین اساسنامه باید تدابیری اتخاذ نماید تا در هر پرونده از انتخاب قضاتی که تعارض منافع احتمالی با مراجعه‌کنندگان دارند جلوگیری شود؛ مثلاً درج ماده‌ای مشابه بند ۳ ماده ۷ اساسنامه دادگاه اداری صندوق بین‌المللی پول که صراحتاً قاضی را از انتصاب در پرونده‌ای که هرگونه تعارض منافع احتمالی با آن دارد منع می‌کند؛ می‌تواند مشکل تعارض منافع را حل کند. به‌علاوه، هرچند در رویه کنونی انتخاب قضات، به ویژگی‌هایی همچون خوش‌نامی، سابقه کاری و پیشینه علمی آنها توجه می‌شود؛ ولی شایسته است با ذکر شرایط علمی و اخلاقی در اساسنامه، به‌صراحت از هرگونه سوءاستفاده احتمالی ناشی از سکوت قانون در این زمینه جلوگیری به عمل آید؛ این

---

۱ . ماده ۱۱ بند ۳ : احکام و دستورات دادگاه حل اختلاف سازمان ملل برای طرفین پرونده الزام‌آور است؛ اما طبق اساسنامه دادگاه تجدیدنظر سازمان ملل، هر یک از طرفین می‌تواند درخواست تجدیدنظرخواهی کند و ...

۲. بند ۲ماده ۴ اساسنامه دادگاه حل اختلاف سازمان ملل بیان می‌دارد: طبق قطعنامه شماره ۲۲۸/۶۲، قضات دادگاه باید در مجمع عمومی و از میان اعضای توصیه شده توسط شورای قضایی انتخاب گردند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

شیوه در ماده ۴ اساسنامه دادگاه اداری بانک جهانی و ماده ۴ اساسنامه دادگاه حل اختلاف سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده و مواد مذکور به‌روشنی، شرایط اخلاقی و علمی مورد نیاز برای انتخاب قضات را ذکر کرده‌اند.

٤-۳. تضمین استقلال مالی

از مهم‌ترین شاخصه‌های رعایت عدالت و بی‌طرفی، استقلال محاکم قضایی یک سازمان از مجموعه سازمان است. این مسأله به حدی اهمیت دارد که برخی از محاکم اداری صراحتاً در اساسنامه خود به تضمین استقلال دادگاه در هر شرایطی تاکید نموده‌اند[۱]. از دیگر تغییرات مورد نیاز اساسنامه ILOAT، تضمین استقلال مالی این نهاد از سازمان بین‌المللی کار است. بدیهی است تا زمانی که ILOAT در امور مالی خویش وابسته باشد؛ نمی‌تواند به عنوان یک نظام قضایی بی‌طرف عمل کند. برای نیل به استقلال مالی، روش‌هایی مانند ایجاد صندوقی جهت تامین مالی دادگاه می‌تواند مفید باشد؛ در این راستا کافی است ابتدا میزان بودجه مورد نیاز و حقوق پرداختی به قضات مشخص شود؛ سپس با اصلاح اساسنامه و قوانین داخلی، نظام دریافت حق دادرسی به صورت پرونده به پرونده کنار گذاشته شده و با توجه به تعداد کارکنان و سابقه سازمان‌های بین-المللی مراجعه‌کننده، در بودجه سالانه، سهمی به هر یک از سازمان‌های استفاده‌کننده جهت واریز به صندوق تامین مالی اختصاص داده شود.

۵-۳. افزایش شفافیت قضایی

به منظور افزایش شفافیت در ILOAT، لازم است به خواسته و حق مراجعه‌کنندگان برای برگزاری جلسات به صورت علنی و انتشار عمومی آرای صادره و استناد به کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام گذاشته شود.

عدم آگاهی مراجعین و عموم از نحوه دادرسی‌ها و دسترسی محدود به پرونده‌های پیشین، ضمن آنکه ناقض حق دادرسی عادلانه افراد است؛ از جمله دلایلی است که به شائبه عدم‌رعایت بی‌طرفی توسط ILOAT دامن می‌زند. برای رفع این نواقص می بایست جلسات دادگاه –به جز موارد از قبل مشخص شده– علنی باشد و اشخاص بتوانند با مراجعه به وب‌سایت سازمان، دسترسی مناسب و کافی نسبت به اطلاعات پرونده‌های رسیدگی شده یا در حال رسیدگی داشته باشند؛

---

۱ . به عنوان مثال در بند ۲ ماده ۱ اساسنامه دادگاه اداری بانک جهانی استقلال این دادگاه اصلی است که همواره و در هر شرایطی باید مورد احترام قرار گرفته و تضمین شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

همچنین دادگاه باید با تغییر در رویه خود به درخواست استفاده از شهود توسط شاکیان پاسخ مثبت دهد و در صورت لزوم، خود به تحقیق و بررسی در رابطه با پرونده بپردازد. مشابه این روند در مواد ۱۰ و ۱۲ اساسنامه دادگاه اداری صندوق بین‌المللی پول و ماده ۹ اساسنامه دادگاه اداری بانک جهانی پیش‌بینی و استماع شفاهی، استفاده از شهود و علنی بودن دادگاه قانوناً تضمین شده است.

در راستای نیل به افزایش شفافیت و به‌روز شدن مقررات اساسنامه ILOAT نیز ضروری است تا با درج مقرره‌ای، قوانین مورد استفاده دادگاه به‌صراحت مشخص شود. این امر می‌تواند این نهاد را از انتقادات حقوق بشری رها سازد و مشروعیت آن را نزد اذهان عمومی افزایش دهد. در همین راستا، ماده ۳ اساسنامه دادگاه اداری صندوق بین‌المللی پول قابل ذکر است که کامل و هوشمندانه تنظیم شده است؛ زیرا اولاً قدرت دادگاه را صرفاً در محدوده اساسنامه‌اش اعلام می‌کند و ثانیاً، صراحتا منابع صدور رأی را بیان می‌نماید که شامل قوانین داخلی صندوق بین‌المللی پول، اصول و قواعد بین‌المللی و قواعد حقوق اداری بین‌المللی می‌شود.

نتیجه‌گیری

اگر هدف غائی یک نظام قضایی را احقاق حق افراد بدانیم؛ برای تحقق این هدف، هیچ ابزاری مهم‌تر و ارزشمندتر از رعایت اصول دادرسی عادلانه وجود ندارد. اهمیت این اصول به حدی است که امروزه علاوه بر نظام‌های حقوقی داخلی در اسناد مختلف بین‌المللی، رعایت آنها تضمین شده و در نتیجه، نه‌تنها تردیدی در جهان‌شمولی آنها وجود ندارد؛ بلکه با درج این اصول در اسناد بین‌المللی، قواعد آیین دادرسی واحد برای کلیه دعاوی از جمله دعاوی اداری پدیدار گشت. در پژوهش انجام شده نشان دادیم که ILOAT به علت التزام سازمان‌های بین‌المللی به قواعد عرفی بین‌المللی و اصول کلی حقوقی ملتزم به رعایت اصول دادرسی عادلانه است و دوم اینکه، این نهاد که عنوان قدیمی‌ترین و پرمراجعه‌ترین دادگاه اداری بین‌المللی حال حاضر را یدک می‌کشد؛ از لحاظ رعایت اصول دادرسی عادلانه وضعیت مطلوبی ندارد. علت این نابسمانی را می‌توان در دو حوزه تقسیم‌بندی کرد: از یک سو، خلاءهای موجود در اساسنامه و از سوی دیگر، قدیمی بودن مفاد اساسنامه که موجبات سوءاستفاده دادگاه را فراهم آورده است. ایرادهای مربوط به حوزه نخست را می‌توان در زمینه‌هایی همچون کمبود تعداد قضات، استفاده از قوانین متنوع، نامشخص بودن قوانین مورد استفاده، نابرابری طرفین دعوی و نادیده گرفتن تعارض منافع مشاهده کرد و نقاط ضعف ناشی از وجود قواعد قدیمی-که با استانداردهای کنونی دادرسی عادلانه همخوانی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

ندارند – نیز ایرادهایی همچون عدم رعایت استانداردهای تجدیدنظرخواهی، عدم استقلال دادگاه و علنی نبودن جلسات دادگاه را سبب شده است. نتیجه این کاستی‌ها، نارضایتی بسیاری از مراجعین، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و افکار عمومی از عملکرد این نهاد بوده است؛ چنانکه در گزارش منتشر شده توسط مرکز عالی حقوق اداری بین‌المللی با موضوع سنجش سالانه میزان مشروعیت و رعایت عدالت در دادگاه‌های اداری سازمان‌های بین‌المللی نیز اشاره شده است؛ ILOAT قبل از اعمال آخرین اصلاحات از میان ۳۳ سازمان مورد بررسی در اواخر جدول جای داشت و اندک اصلاحات صورت گرفته در اساسنامه دادگاه نیز به دلیل آنکه بیشتر صوری بوده تا واقعی، نتوانسته باعث ارتقای جایگاه این دادگاه شود و در آخرین بررسی صورت گرفته، این دادگاه اداری با قرار گرفتن در رتبه سیزدهم به عنوان نظام قضایی با استانداردهای پایین دادرسی عادلانه شناخته می‌شود؛ در حالی که نهادهای مشابه ILOAT از جمله دادگاه حل و فصل اختلافات سازمان ملل و دادگاه اداری صندوق بین‌المللی پول توانسته‌اند با اصلاح (به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹) مفاد اساسنامه، خود را با استانداردهای دادرسی عادلانه همسو نمایند؛ به‌همین‌دلیل، نیاز به اعمال اصلاحات صحیح و اصولی و نه شکلی و صوری توسط ILOAT، نه تنها امری بدیهی و غیرقابل انکار است؛ بلکه برای دادگاه اداری سازمانی همچون سازمان بین‌المللی کار از اولویتی دوچندان برخوردار است؛ چراکه این نهاد به عنوان یک سازمان بین‌المللی با سابقهٔ طولانی می‌بایست الگوی بسیاری از کشورها، همچنین سازمان‌های بین‌المللی در پاسداشت و اجرای صحیح قواعد بین‌المللی به‌ویژه مقررات حقوق بشری باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

۱- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

۲- بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۵)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات مجد

۳- بهادری جهرمی، علی و حسینی، سیده لطیفه (۱۳۸۳)، «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی»، دو فصلنامه حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره هفتم

۴- حسینی، سیده لطیفه (۱۳۸۳)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم دادرسی عادلانه، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

۵- رستمی، ولی؛ آقایی، مسلم و لطفی، حسن (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: انتشارات گرایش

۶- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۶)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول، تهران: انتشارات شهر دانش

۷- مقامی، امیر و انصاری، سارا (۱۳۹۴)، «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات سازمان‌های بین‌المللی»، تهران: فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۳

۸- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و رهدارپور، حامد (۱۳۹۷)،«اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۱

۹- یاوری، اسدالله (۱۳۸۳)، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۲.

ب. غیر فارسی

10 - Böhre, Vincent A.& von Dewall, Sophia E.& Middel, Ingeborg J., (2004), The (Non-) Application of International Law by the ILO Administrative Tribunal: possible legal avenues for establishing responsibility, Amsterdam International Law Clinic

11-Cannon, Erica & Wárlám, Isabelle, (2007), The Judicial Independence of International Labor Organization Administrative Tribunal: Potential for Reform, Amsterdam International Law Clinic

12- Clapham, Andrew, (2006), Human Rights Obligations of Non-State Actors, Oxford University Press

13- Doswald-Beck, Louise & Kolb, Robert, (2004), JUDICIAL PROCESS AND HUMAN RIGHTS, Kehl am Rhein, Strasbourg

14- Gallo, Daniele (2014) The administrative tribunal of the International Labour Organization (ILOAT), the International Court of Justice (ICJ) and the right of access to justice for the staff of international organizations: the need for a reform in light of the ICJ

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

Advisory Opinion of 1 February 2012. [Working Paper]. LUISS Academy, Roma. p. 18. Working Paper (2/2014)
15- Gulati, Rishi, (2018), An International Administrative Procedural Law of Fair Trial: Reality or Rhetoric? Max Planck Yearbook of United Nations Law, Vol 21
16- Hannum, Hurst, (1996), The Status and Future of the Customary International Law of Human Rights, GEORGIA JOURNAL OF INTERNATIONAL AND COMPARATIVE LAW
17-Hardon, Elizabeth, (2015), Managing the ILO Administrative Tribunal's workload Current challenges and possible improvements, [Working Paper]. Staff Union of the European Patent Organization (SUEPO)
18-Javits, Jushua M, (2013), The journal of the ABA Section of labor & employment law, volume 28, number 2
19- Leanza, Piero, (2014), (Selected Aspects of the Right to a Fair Trial), The Right to a Fair Trial, Kluwer Law International
20- Mackenzie, Ruth & Sands, Philippe, (2003), International Courts and Tribunals and the Independence of the International Judge, 44 HARV. INT'L L.J
21-Nobels, Richard & Schiff, David, (2002), The right to appeal and workable systems of justice, The Modern Law Review, 65,5
22-Szalay, Andras, (2011), Equal Treatment and the ILO Administrative Tribunal, Tilburg Law Review
23- Szente, Zoltán & Lachmayer, Konrad, (2016), The Principle of Effective Legal Protection in Administrative Law, Routledge; 1st edition
24- Shaw, Malcolm N., (1997), International Law, Cambridge University Press
25- Shetreet, Shimon & Deschênes, Jules, (1985), JUDICIAL INDEPENDENCE: THE CONTEMPORARY DEBATE, Boston, Kluwer Law International
26- Zrvandyan, Arman, (2016), Casebook on European Fair Trial Standards in Administrative Justice, Strasbourg, Council of Europe Publishing
27- Statute of the Administrative Tribunal of the International Labor Organization, available at "https://www.ilo.org/tribunal/about-us/WCMS_249194/lang--en/index.htm"
28-Status of the Administrative Tribunal of the International Monetary Fund available at " https://www.imf.org/external/imfat/statute.html"

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]

29- Status of the European Union Civil Service Tribunal, available at “https://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32004D0752:EN:HTML"
30-Status of the World Bank Administrative Tribunal, available at "https://webapps.worldbank.org/sites/wbat/Pages/Statute.aspx"
31- Status of the United Nations Dispute Tribunal available at " https://www.un.org/en/internaljustice/undt/undt-statute.shtml”

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-28]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.245]